

بیم و هراس بر اندام طیش و تندبی و عجلت و اضطراب در هیچ
 باب ازان خدیو خورشید قدر فلک جناب مشاهده نگشته - در کارها
 فهایت غور و تأمل و دور بینی و ملاحظه اطراف و عواقب آن بکار
 می برند و هرگز امری از امور که خالی از مصلحت دین
 و دولت و خیریت و صلاح جمهور باشد ازان حضرت بظهور
 نمی رسد - تیقظ و آگاهی در مراتب سلطنت و پادشاهی دران پایه
 که حقایق معاملات هر صوبه و سرکار همواره برسدیل تفصیل
 روز نامه دار از نوشتههای سوانح نگاران که جایجا معین اند
 بموقف عرض اشرف رمیده جزئیات و کلیات کیفیت زیست
 و سلوک صوبه داران و حکام و عمال در پیشگاه جاه جلال سمت
 انکشاف می یابد و باقتضای عدالت و نصفت پاداش حسن
 عمل و کیفر سوء کردار هر کس میدهند - و از غایت اعتنا و اهتمامی
 که باستکشاف احوال ملک و دولت دارند در هر صوبه و سرکار بغیر
 واقع نویسن مقرر - یکی از معتمدان بیغرض کار آگاه خفیه معین
 فرموده اند که سوانح و حقائق آنجا بی اطلاع دیگری نوشته بدرگاه
 آسمان جاه ارسال دارد تا اگر واقعه نگار مقرر بنابر غرضی در
 نگارش برخی امور از نفس الامر تجاوز ورزیده باشد از نوشته او
 حقیقت حال در جناب سلطنت و جهان بینی درجه ظهور یابد و
 ببرکت این هوشیاری و خبرداری نیکی راستی بر کردار متصدیان
 اشغال و مهام غالب گشته از افعال نکوهیده و اعمال ناپسندیده
 محترز اند

لمولفه • شعر •

دل روشنش آگه از کار ملک • عیان نزد او جمله اسرار ملک

از احوال مردم چنان نکته یاب • که داند چه بیدند شبها بخواب
 از مراتب جود و احسان و فضل و اصطناع آن رونق افزای کارخانه
 ابداع کلک نکته پرداز تا کجا داستان طراز تواند شد شرائف خیرات و
 کرائم مبرات و صنوف ادرارات و اکرامات چندانکه ازان مظهر الطاف
 الهی بمنصه ظهور رسیده عشر معشار آن از اعظم سلاطین کامگار
 و خواندین گردون اقتدار در تمام ایام دولت و مدت سلطنت روی
 نداده و انوار صدق اینمعنی از مواهب عالیه و انعامات سامیه
 آنحضرت که این دیباچه نسخه منفاخر و معالی بذکر بعضی ازان
 مشحون است بر مرات ضمیر همکشان پرتو افکن میگردد - و از جمله
 آن سترگ بخششها عفو کردن باج غلات و حبوبات و وجوه راهداری
 و محصول اقمشه و دیگر اموال سایر است در کل ممالک محروسه و
 تمام قلم رو دولت قاهره از فرقه مسلمانین خصوصاً و عفو کردن بعض
 وجوه مذکوره از کانه رعایا و قاطبه برایا عموماً که مجموع آن هر ساله
 مبلغ سی لک روپیه می شود - و ازان جمله بخشیدن مطالبات اجداد و
 نیاکان بندهای آسمان خلافت نشان است که دلیل ازین درین دولت
 جهان مدار و سلطنت گردون اقتدار بر وفق معمول روزگار دیوانیان
 عظام و مستوفیان ممالک نظام از تنخواه مناصب و وجه مواجب
 آنها بر سپیل تدریج وضع نموده بسرکار خاصه شریفه عائد میساختند
 و اینمعنی موجب پریشانی و اختلال حال بسیاری از منتسبان
 عتبه جاه و جلال می گشت و چون این مطالب درین دولت
 فیض پرور که مرجع و سلجای خلائق هفت کشور است حد و نهایتی
 ندارد هر سال بدین جهت مبلغهای خطیر از وجه طلب امرا و

منصبداران و سایر بندهای درگاه والا که همت خازنه زادی آستان
 فعلی دارند و جمع شده سرمایه کفایت خزانة عامره میشود. ازان جا
 که همت خیر همت آن حضرت پیوسته بر تهید مراسم لطف
 و رأفت و تشدید مبنای خود و عاطفت مقصور است و همواره وجه
 قصد و پیش نهاد خاطر اقدس آنکه سرانوزان عبودیت این دولت
 اندیشان و سعادت اندوزان خدمت این آستان فیض مکان بطیب
 حال و سععت عیش و فراغ بال و سرور خاطر مخصوص و بهره مند
 بوده غبار پریشانی بر چهره حال و گرد ناکامی بر رخسار آمال
 آنها نه نشیند بمقتضای استیفای مآثر مکرمت و انضال رقم عفو
 بر ذوات مطالبات مذکور کشیده حکم جهان مطاع از پیشگاه فضل
 و اصطناع بناظران مذاظم دیوانی عز صدور یافت که جمیع بندهای
 درگاه خلائق پناه را از منصب دار در بدستی تا امیری که بمنصب
 هفت هزاری سر بلند است از مطالبه آنچه بر ذمه اجداد و نیاکان
 واجب الادا بوده معاف و معلم شمرده بدان جهت تعرض
 و مزاحمت ننمایند و از دو منصب دار بدستی تا چهار صدی بناظر
 کمی منصب از مطالبه آنچه ذمه آبی آنها بدان مشغول باشد نیز
 معاف شناسند و از پانصدی تا هفت هزاری بحکم همت حال
 و حصول استطاعت وجوه مطالبات را لازم الادا دانسته اگر موازی
 قدر آن میراث یافته باشند بمرور ایام و تدریج شهر و اعوام از عهده
 ادای آن برآیند و اگر بقدر آن میراث نبرده باشند وجه مطالبه
 بقدر ترک ادای کنند و اگر ظاهر شود که بجماعت مذکوره مطلقاً متروکه
 فرسوده آنها نیز بالکلیه از ادای وجه مطالبه معاف و مرفوع القلم

باشند و آنچه بدین جهت بخشیده همت والا گشته از کوررها
متجاوز است امواله * شعر *

بقطره ابر و بانجم سپهر نتواند

مخا و بخشش اورا نگاهداشت شمار

ز آستین عطایش که کوچه امل است

نمونه دومه چین است موج دریا بار

و از مبررات عام شامل آن خدیو ابر کف دریا نوال آنکه چون

سابق در بسیاری از مسالک و شوارع این مملکت گردون بسطت

بجهت نزول مسافران خانات و رباطات که محل امن و آرامش

و مقام راحت و آسایش آن گروه تواند شد نبود و خلایق

در بعضی راهها خصوصا از بلاد فیض بنیاد اورنگ آباد

تا مستقر الخلفه اکبر آباد و از دار السلطنة لاهور تا دار الملک کابل

کمال رنج و تعب می کشیدند رأمت و عاطفت بادشاهانه بر حال

مترددین و مسامرین بخشوده بر این لازم الامثال از پیشگاه مکرمیت

و انضال پیرایه صدور رأمت که در جمیع طرق و شوارع این ممالک

کثیر المسالک بهرجا سرا و رباط نباشد از سرکار خالصه شریفه سرای

و جمیع الفضا از سنگ و خشت و آهک و گچ در کمال متانت

و استحکام مشتمل بر بازار و مسجد و چاه پخته و حمام بسازند و در

بر مرحله بجهت فرسودگان محنت سفر و رهروان دشت و صحرا

منزل گاهی بپردازند که محیط رحال و محل صیانت اشیا و اموال آن

فریق باشد و برکت اجر و ثوابش بروزگار این دولت همایون

آثار عائد گردد - و همچنین حکم والا صادر شد که هر سرای قدیم

ابدیانی که محتاج مرمت باشد بترمیم آن پرداختند و در هر موضع
 که پل در کار باشد نیز با استحکام تام بسازند چنانچه از خزائن جود و
 اکرام بادشاهی بمصارف این ابدیه خیرچندان زرخرچ شده و می شود
 که مستوفی خیال بدستگیری معمارانندیشه از تخمین آن عاجز است
 و بالفعل بمیامن فضل و کرم شهنشاه زمان که رونق بخش کهن
 سرای جهان و موسس اساس خیر و احسان است طرق و مسالک
 هندوستان بهشت نشان چنان سمت امن و آبادی پذیرفته که مراحل
 و منازل و جبال و صحاری از معموری و ایمنی حکم بلاد و امصار
 گرفته است و از جمله مکارم سنیه آن حضرت آنکه هم در نخستین
 سال جلوس میمنت پیرا که حقیقت بی رونقی و اندراس و انهدام
 برخی مساجد و معابد اسلام بعرض اشرف رسید یولید کرامت طراز
 بطفرای نغان پیوست که در جمیع ممالک مجروسه هر جا مسجدی
 مدروس باشد از سرکار خاصه شریفه ترمیم و تجدید عمارت آن کرده
 از نورونق و صفا بخشند و امام و مؤذن و خادم و سایر لوازم خرچ
 مسجد از فرش و چراغ و غیر آن مقرر سازند چنانچه هر سال مبلغهای
 خطیر بدین وجه مصروف میشود - و از آنجا که توجه خاطر دانش
 مآثر بترویج مراتب فضل و تاسیس معالم علم درجه قصوی دارد
 و در جمیع بلاد و قصبات این کشور وسیع فضلا و مدرسان را بوظائف
 لایقه از روزیانه و املاک موظف ساخته بشغل تدریس و تعلیم
 محصلان علوم گماشته اند و برای طلبه علم در هر معمولی و ناحیه
 وجوه معیشت درخور رتبه و حالت و استعداد مقرر داشته و هر ساله
 بدین وجه نیز از خزائن احسان پادشاهانه مبلغهای معتد به

صرف میشود و از فیض مکرمت و افضال شهنشاه ابر کف دریا
 نوال طالبان علم و کمال سمت افزونی پذیرفته منشرح البال و صرفه
 الحال بکسب و تحصیل علوم اشتغال می ورزند و برکات دعای
 اجابت اثر آن گروه سرمایه بقای این دولت آسمانی شکوه میگردد -
 و از آن جمله آنست که چون همگی همت والا نهمت شریعت
 پیرای آن خدیو دین پرور حق پزیره مصروف است با آنکه کافه
 مسلمین در احکام دین متدین بمسائلی که اشهر علما و ائمه مذهب
 شریف حنفی بدان فتوی داده معمول بها و معمول علیها دانسته
 عمل نمایند و مسائلی مذکوره در کتب فقه و نسخ فتاوی بذایر
 اختلاف فقها و علما با روایات ضعیفه و اقوال مختلفه آنها مخلوط است
 و معینا مجموع آنها یک کتاب جاری نیست و تا کتب مبسوطه
 بسیار فراهم نیاید و کسی را دستگاهی رسبع و بضاعتی کامل و قدرت
 و استحضاری وادی در علم احکام فقه نباشد استکشاف حق صریح
 و استنباط مسئله مفتی بها و حکم صحیح نمی تواند نمود لاجرم بر ضمیر
 مهر انوار که در امور دین و دولت بفتوی الهام کار گزار است پرتو
 این عزیزمت تافت که جمعی از علمای پایه سرر اعلی کتب
 معتبره و نسخ مبسوطه آن فن را که در کتاب خانه خاصه شریفه
 بزرگان از اطراف و اکناف عالم فراهم آمده جلوه گاه انظار تذبح
 ساخته از روی تحقیق و تدقیق و خوض و غور انیق بجمع و تالیف
 آن مسائل پردازند و از مجموع آن نسخه جامعه مرتب سازند تا
 همگان را استکشاف مسئله مفتی بها در هر باب بمراجعت آن
 کتاب بسهولت و آسانی دست دهد و قضات و مفتیان اسلام از جمیع

کتاب و دفاتر شتی و تابع و تصفیح جمیع نسخ فتاوی مستغنی باشند و سرگردگی و اهتمام این مهم صواب انجام بفضیلت مآب شیخ نظام که جامع فضائل معقول و منقول است تفویض یافت که کمر سعی و اجتهاد بتمشیت این امر بسته باتفاق سایر اهل فضل و دانش جمع و تالیف آن مسائل نماید و گروهی از فضلا و علما که در پایه اوزنگ خلافت بودند بدان شغل شریف مامور شدند و در اطراف و اکناف کشور فضل پرور هندوستان بهر جا کسی بسمت اشتهار و مهارت در علوم موسوم بود بموجب یرلیغ همایون بجذاب والای سلطنت حاضر آمده بموافقت آن جمع تعیین یافت و همگی آن فریق بوظائف شایسته و مواهب ارجمند کامیاب گشته بتقدیم آن امر مشغول شدند و از کتبی که تمشیت آن امر را در کار شود نسخ صحیحی از کتاب خافه خاصه شریفه بفضلا حواله رفت و هر مال مبلغی خطیر در وجوه وظائف و انعامات عمده و ممارسان این شغل جلیل و خطیب نبیل از خزانه احسان بادشاهی صرف میشود و چون آن کتاب مستطاب صورت اتمام گیرد و پیرایه اختتام پذیرد جهانیدان را از سایر کتب فقهی معنی خواهد بود و برکت اجر و ثوابش ابد الآباد در نسخه حسنات شهنشاه مؤید قدسی سلکات مثبت و مرقوم خواهد گشت - شجاعت و شهامت و پر دلی و جزامت و صرامت و مدانت رای و اصابت تدبیر و همت بلند و عزیمت عالم گیر آن خدیو مهر انور سپهر سریر از فرط ثبوت و کمال ظهور مستغنی از مراتب شوح و تقریر است کار آگهان رموز حرب و رغا و دقائق مهمان قواعد رزم و هیجا درین معنی متفق اند که جز امیر کبیر

و خاقان اعظم مطاع سروران جهان و پیدشوی خسروان عالم حضرت صاحبقران کشور ستان طاب ثراه دیگری از سلاطین والا شکوه و بادشاهان عالی مکان را در فنون رزم آزمائی و سده آرائی و مراتب لشکرکشی و جهان کشائی این مایه خبیرت و رسائی و مهارت و دستگاه که آن شهذشاه فلک قدر انجم سپاه را است نبوده و هیچ یکن از ملوک سابقه و خواقین ماضیه بگوهر رای صائب و جوهر تیغ ثاقب این آثار دشمن سوزی و کار نامهایی فتح و فیروزی در روزگار ندموده آگاه دلاں دانش آئین از تبغ صادرات احوال میمنت قرین که این دفاتر مآثر گامکاری حارمی برخی ازان است مجملا ادراک اینمعنی توانند نمود - حسن توکل و ثبات و استقلال آن فرازنده لوی اقبال در معارک رزم و قتال و مواضع اخطار و احوال بمذابله ایست که هرگز نظر همت بلند آن حضرت بر قلت اعموان و انصار و کثرت اعداء و خصوم و اعدای نبوده و جز برعون عنایت اینز نصرت بخش فیروزی رسان وثوق و اعتماد ندموده اند در مضمار کشور کشائی و هنگام صف آرائی اگر خیل بشر همراه بکین برخیزند و جنود هفت کشور بیک دفعه غبار حمله انگیزند ارکان ثبات و قرار آن برگزیده آفریدگار تزلزل نمی یابد و رخ تافتن از میدان رزم و عرصه کارزار در ضمیر مهر انوار خطور نمی نماید حملات مرد آزمائی شجاعان جهان و دلازان عالم بر آن گران رکاب مضمار ثبات قدم لامحاله چون وزیدن ریاغ عاصف است بر کوه گران و مانند آهنگ برق خاطف بسوی قطب اعمان

لموافقه • شعر •

فداده بید صفت موج لرزه بر تن شیر

در آن مصاف که افشرده است پای وقار

ز خاک پای ثباتش طلا کند بر سر

سپهر بهر مداوای کهنه زنج دراز

مکرر در مواقف هیجا و صفوف و غا چنان روی داده که ملک
اجتماع مرکب همایون از هم گسیخته زمره قلیل در رکاب ظفر صاب
مانده اند و افواج مخالف بجمعیت و شوکت تمام هنگامه آرای
کارزار بوده و آن خدیو خصم افکن دشمن شکن انگر احتیاجت و
پایداری افکنده چون کوه به سیلاب لشکر اندوه از جا نرفته اند و
بحسن صبر و ثبات و نیروی همت و پردلی رایت غلبه و استیلا
افراخته مظفر و منصور گشته - و از خصائص عادات آن حضرت
آن است که در عین گرمی هنگامه حرب و قتال و زمان اشتعال
فواجر رزم و جدال چون وقت نماز میرسد بقصد عبادت یزدان
پاک و معبود بی نیاز از مرکوب خاص فرود می آیند و از
سر صدق عبودیت سجاده طاعت و حق پرستی بر زمین نیاز
گسترده با ملازمان رکاب دولت صف آرای جماعت میگردند و در
کمال حضور و طمانیت و نهایت تخضع و تخشع چنانچه شیمه کریمه
آن حضرت است نماز میگزارند و در آن حالت اگر جهان و جهانیان
بهم بر آیند در جمعیت قلب و آرام باطن اشرف خلل و فتور نمیروند
و بارها در مواقف صعب این صورت ازان خدیو صورت و معنی رخ
نموده و دوست و دشمن و موافق و مخالف آنرا معاینه کرده اند
و بالجمله یروفق مودای " من استأنص بالله لم يستوحش من غیر
الله " جزایزد توانا و خالق بی همتا ترس و بیم و خوف و هراس

از هیچ چیز و هیچکس در ذات اقدس نیدست اواقفه • شعر •
 • هرگز بر هیچ چیز دلش بی قرار نیدست
 از بهس گرفته معرفت حق درو قرار
 از بزرگ نژادی های نفس قدسی نهال آن بهره مند سعادت
 خدا داد یکی آنست که از وقوع امور ناملائم و مذاورات طبع که
 نشاء کون و عالم بشریت ازان خالی نیست غبار ضجرت و مائل
 بر چهره احوال آنحضرت نمی نشیند و از صدور سوانح مسرت
 بخش! هجت پیرا و حصول مطالب و مقاصد علیا چون ظهور فتوحات
 سترگ و مغلوب گشتن اعدا که طبائع بشری را نشاط افزا است
 آثار فرح و انبساط مفرط از بشره همایون ظاهر نمیشود چنانچه در
 محاربات عظیمه که جنود اقبال را با اعدای خسران مآل روی
 داده همه جا فتح و ظفر نصیب اولیای دولت بی زوال گردید
 صورت صدق اینمعنی مشهور همکدان شده است در هر معرکه و
 کارزار پس از ظهور غلبه و استیلائی افواج نصرت شعار و هنریمت
 یابدن دشمنان نابکار چون فدویان اخلاصمقد و نوایندگان عقیدت شعار
 ندیم مراسم مبارکباد فتح نموده اظهار بشاشت و نشاط میکردند طبع
 مبارک بآن توجه نفرموده روی التفات همت ازان وادی می تافتند
 و آن مایه مسرت و شگفتگی که از وقوع آن قسم فتوحات نمایان رخ
 مینماید در چهره حال اقدس ظاهر نبود حاصل که در اوقات شدت
 و رخا و رنج و راحت و اندوه و شادی حال خجسته مآل بیک وتیره
 و منوال است بر سذوح امور مرغربه شکر و سپاس منعم حقیقی بجا
 آورده مکروه را بصبر و سکون و ثبات نفس تلقی میفرمایند و هرگز

قلبه سرور و استیلائی حزن از احوال آن مظهر بدیع صفات ذوالجلال مستنبط نمیگردد و در مقام بشاشت و انبساط خنده آن حضرت از حد تبسم در نمیگذرد و هنگام قهر و شورش طبع هیأت غضبانی آن آیت رحمت ربانی از زهر چشم و چین پیشانی عذاب بیشتر نیست و مع هذا هیبت آن معتبت زهره گداز رستم و افراسیاب و جگر شیر دلان روزگار از سطوت آن آب است - از کمالات کسبیه آن حضرت که زینت بخش حالات قدسیه و هبیه گشته تابع علوم دینیه از حدیث و تفسیر عربیه و فقه شریف حنفیه است از بس ممارست مراتب شریعه و استکشاف عقائد اصلیه و مسائل فرعیه اشتغال ورزیده اند قوت حافظه اشرف مخزن این حقائق شده و بسیاری از کتب طریقت و سلوک و اخلاق چون احیاء العلوم و کیمیای سعادت و دیگر تصانیف عرفا و اکابر و رسائل و مؤلفات علمای باطن و ظاهر بمطالعه همایون رسیده حل معضلات و کشف اسرار آن فرموده اند و بالفعل نیز بعد فراغ از نظم مهام سلطنت و سروری و تمهید مراسم دین پروری و عدالت گستری باین شرائف اشتغال پیوستگی دارند - و از جلائل فضائل آن خدیو یزدان پرست توفیق حفظ تمام کلام مجید ربانیدست در عین اوان سلطنت و جهان بینی و زمان اشتغال بامور ملک رانی و کشور ستانی که هیچ یگ از سلاطین اسلام و دین پروران پاستانی را این خصیصه سعادت چهره آرای دولت نگشته و عزیزمت این مقصد بلند و داعیه همت بسند در خاطر نگذشته بلکه کمتری از ارباب فضل و کمال و اصحاب علم و معرفت را این کرامت و شرف دست نداده اگر چه هم از مبادی

حال دولت و اقبال برخی از سور کریمه قرآنی و بسیاری از آیات
 بیّنات فرقانی محفوظ خاطر اقدس بود لیکن حفظ مجموع کلام الله
 از آن بادشاه خدا آگاه بعد جلوس بر اورنگ حشمت و جاه
 اتفاق افتاد و چون به نیروی تائید ربانی این خطر الهی و داعیه
 آسمانی بر باطن تقدس موطن پرتو افکند بمیامن همت بادشاهانه
 و عزیمت خسروانه و یاروی توفیق کردگار و مساعدت بخت سعادت
 آثار در عرض اندک وقتی و مختصر فرصتی مجموع کلام مجید و فرقان
 حمید با رعایت مراتب قراءت و شرائط تجوید و ادراک شان و نزول
 آیات بیّنات و تفسیر معانی و فهم اسرار و نکات آن بر لوح حافظه
 اشرف که لوح محفوظ اسرار غیبی است مرتسم گشت چنانچه
 تاریخ شروع آن حفظ شریف را حروف کریمه "سذقروک فلا تنسی"

بحساب جمل پرده از رخ می کشاید و تاریخ اتمامش از اعداد
 لوح محفوظ جلوه ظهور می نماید از رتبه خط و حسن تحریر آن
 شهشاه فلاطون فطنت سکندر نظیر که صفحات روزگار و اوراق دفاتر
 لیل و نهار از آن زینت پذیر است خانه نکرده پرداز جادو فن
 را چه یارای دم زدن بقدرت کلک بدائع آثار معنی استادی و
 سخننگاری را چندان بر کرسی نشانیده اند که دست استادان اقالیم
 مبعده خط بدان نتواند رسید و بر شعله فیض انامل در بار نهال
 سوزون قلم را در خوشنویسی شاخ و برگی بخشیده که یکتایان
 صنعت خط از تتبع آن شیوه جز خجالت نمری نتوانند چید - خط
 نسخ آن حضرت که رقم نسخ خط یقوت و صیرفی تواند بود در رعایت
 پختگی و مزه و متانت و اسلوب است و کمال قد زت در نوشتن

آن دارند و اکثر اوقات توفیق ثواب اندوژی کتابت کلام الله از ضمايم عبادات و کرائم عادات آن شهنشااه دين پناه است در ايام ميمذت انجام باه شاهزادگي مصحفی مجيد بخط مبارک صورت اتمام داده آنرا با ديگر شرائف تحف و رغائب و مبلغی خطير برسم نذر و آئين نياز بمکه معظمه و کعبه مشرفه زانه الله قدرا و جلاله فرستادند که دران حرم محترم و بقعه مکرم برکت تلاوتش بروزگار خجسته آثار عائد گردد و بعد از جلوس بر سر رير سلطنت و اقبال با وجود کثرت مشاغل صوري و معنوی و نظم و پرداخت امور ديني و دنيدوي و فوط توجه اشتغال بحراست و پاسباني جهانيان و تاسيس قواعد عدل و احسان عزيمت نگارش مصحفی ديگر از خاطر انور سر بر زده شروع دران مقصد والا فرمودند و هر روز بعد فراغ از اشغال ضروريه دين و دولت و تنظيم مهام ملك و ملت و اداى وظائف طاعت و عبادت شطري از اوقات ميمذت قرين بتحرير مطري چند از کتاب مبدین مصروف ساخته در عرض اندک وقتى بدستيارى تايد و صدنگارى بخت سعيد جلدي ديگر از مصحف مجيد با تمام رسانيده سعادت جاويد اندر خند و سواى اين دو مصحف کریم مکرر بتحرير پنج سوره و ديگر سور قرآني موفق گشته اند - خط نستعليق آن حضرت بى شايبه اطراى مدح طرازی و اغراق نکته پردازي دران رتبه امت که قطعهاى که در عين ايام ذوق و هر گرمى مشق رقم پذير خامه اشرف گشته بقطعهاى خوب استادان که عمر گرانمايه صرف تحصيل آن سرمايه ساخته بتکمیل امرى ديگر نپرداخته اند در نظر خط شناسان مصر مشتهبه مى شود - و شکسته نستعليقى در

غایت مغز داری و صفا و ممانت و پختگی می نویسند که شکستهای زلف دایران سلسله نسب بآن درست میکند و خط نثار سیمین عارضان سر مشق دایرانی و نظر نریبی ازان می گیرد همانا تسخیر خط و فرمانروای قلمرو این فن بدیع نمط چون فتح کشور دیگر فضائل و کمالات از مدمات عالمگیری و جهان کشائی آنحضرت است در اکثر اوقات باقتضای غایت و مرحمت یا بذایر بعضی مطالب سری و مصالح ملکی مناشیر کرامت عنوان بادشاهزادهای ارجمند نامگار و نویدان نامدار بخط مبارک می نویسند و کم وقتی میگذرد که بر عنوان امده جلیله که باصرای ذی شان و عمدهای آستان سپهر نشان زینت صدور می یابد سطر می چند نگارش نمیدرمایند.

نکته دانی و معنی شناسی و ربط و مناسبت فطری و کسبی آن حضرت بمراتب نثر و انشای انواع کلام در مرتبه ایست که سخن سنجان معنی طراز و فصاحت پیشگان نکته پرداز از فیض تعلیم و ارشاد آن مظهر کمالات قدسی عمرها استفادۀ دقائق و رموز سخن می توانند کرد هرگاه بادای منشور منشدان بلاغت گستر انشا نامه میفرمایند بحسن تفریر دل پذیر بقوعی تمهید مطالب و تلقین مدعی می نمایند که اگر نگارنده قوت حافظه را درج آن در شاهوار و لایق آبدار ساخته بنگارش همان الفاظ گهر نثار بنظم و تالیفی که از زبان حق بیان استماع نموده اکتفا نماید از تجشم فکر و تکلف انشا مستغنی است و چون مسوده آن درست میشود بمطالعه اشرف رسیده از قلم بدائع رقم آن شهنشاه نکته رس هوشمند چندان بتصرفات مرغوب و لاههای داپسند زینت

می یابد که ادیب اریب از ملاحظه آن بعجز و قصور معترف گشته
 همصایه بصیرت در اسلوب و قواعد سخن و پدیرایه خبرت و مهارت
 در آن فن می اندوزد و همچنین مناشیر جلالت نشانی که منشیان
 بلاغت آثار پادشاهزادهای کامگار بخت بیدار و عمدهای این
 دولت پایدار می نویسند نخست مسوده آنها بنظر انور در آمده
 بزیر اصلاح پادشاهانه مزین می شود - آن زبان سرور بخت
 و اقبال اگرچه اکثر اوقات بزبان سلیس صلیح فارسی تکلم مینمایند
 لیکن ترکی چغتائی را بغایت خوب می دانند و با ترکان بدان زبان
 سخن می کنند و با جمعی از اهل هند که فارسی تمیدانند یا
 نیکو نمیتوانند گفت بضرورت زبان بلغت هندی می کشایند - و
 قواعد و آداب سپاهگری و صنوف هنرهای که لازم مرتبه حشمت
 سرور است از علم صید و شکار و شیوه کمانداری و تنگ اندازی
 و اسب تازی و دیگر لواحق این امور کمال آن برگزیده ذوالجلال
 بحدیست که مهارت پشکان آن فنون که سعادت اندوز بساط قرب
 و ملتزم رکاب اقبالند پیوسته از مشاهده عجز و نقصان خویش در
 جذب آن کمالات عرق تشویر و افعال بر ناصیه عبودیت دارند - و از
 کرائم اخلاق آن خدیو کشور انفس و آفاق حسن تربیت فرزندان ارجمند
 عالی گهر و پادشاهزادهای والا قدر نیک اختر است که بمیامن
 توجه باطنی و ظاهری و پرورش صوری و معنوی آن حضرت
 بکمالات عملیه و فضائل سنیّه فائز گشته از صلاح و طاعت و پرهیزکاری
 و عقل و رای و دانش و هوشیاری و قواعد و آداب سروری
 و سرداری و صنوف هنرهای کسبی نصیبه وافی دارند و همگی

بیدمن استغاضه انوار تربیت شاهنشاه خدا آگاه حافظ کلام الله اند و تحصیل قدر معدد به از مراتب علم و ادب کرده در نوشتن اقسام خطوط مهارت اندوخته و با فصاحت و بلاغت زبان فارسی و ترکی نیکو آموخته اند - و همچنین ثمرات طیبات نهال حشمت و اقبال و نخلات شریفات ریاض عظمت و جلال و دیگر صدرنشینان مشکوی عزت و احترام و پرده گزینان شبستان ابهت و احتشام و سایر محتجبات استار عفت و مخدرات مراق عصمت بمیامن ارشاد و هدایت و برکت خدمت فیض آیت آن حضرت اکتساب عقائد حقه و احکام ضروریه دینیه و تحصیل خط و سواد نموده همه بر سجاده طاعت و حق پرستی و از کمال تقدس و تنزه برکت بخش خاندان وجود و شرافت افزای دردمان هستی اند و پیوسته بتلاوت و کتابت قرآن مجید و مواظبت خیرات و مبرات و تحصیل حسنات و مژوبات اشتغال می دارند •

ذکر کرائم اشغال شهنشاه حق پژوه

خیر اندوز در اوقات شبانروزی

آن حضرت قبل از طلوع انوار صبح صادق صادق از بستر استراحت با بخت بیدار و دل هوشیار برخاسته از چشمه سار توفیق وضو میکنند و از خوابگاه مقدس بیرون خرامیده بمسجد فیض آمود غسلخانه مبارک پرتو قدم می گسترند و مستقبل قبله بجای نماز نشسته بموجب حدیث شریف نبوی علی قائله شراف الصلوات و کرائم التحیات که " المنتظر للصلوة کمن هو فی الصلوة "

بانتظار وقت ثواب اندوز می باشند و چون وقت نماز می رسد پس از اقامت سنت موکده مغروضه صبح را ادا می نمایند و بعد از نماز بتلاوت کلام مجید و ادعیه ماثوره و اقامت اذان و وظائف معهوده که در آن مراتب بمیامن توفیقات ایزدی و تائیدات آسمانی گوی مزیت از سجاده نشینان عبادت پژوه و زاویه گزینان حق پرست بوده اند پرداخته تا چاشتگاه باین امور مشغول می باشند و بعد از فراغ قرین بخت و سعادت و کامیاب فیض عبادت ازان معبود همایون برآمده بخلوت ناه عز و جاه که نشیمن خاص آن خدیو خدا آگاه است شرف قدوم می بخشند و در آن وقت برخی محرمان حریم دولت و مقربان پیشگاه اقبال را با خواص خدم شرف بار داده بر سریر معدلت و داد دهی می نشینند و داروغگان عدالت جمعی از متظلمان و داد خواهان چه از اهل دار الخلاء و مردم حضور پرنور و چه از مردم دور دست و سکنه اقطار بلاد و صوبها که بر آنها ستمی رفته و باستماع صیت بصفت و مظلوم نوازی و استظهار آثار معدلت و ظلم گدازی آن طرازنده ازرنگ سروری و سرامرزی از مساکن و اوطان خویش مهاجرت گزیده بآستان سپهر بنیان که موقف عدل و داد است می آیند در پیشگاه معدلت حاضر آورده صورت تظلم و استغاثه آنها بی شاید اغماص و غایبه اغراض بخدمت اشرف ارفع رفع نموده مطالب هر یک مفصل و مشروح بعرض همایون میروسانند و آن حضرت بنفس ندیس متوجه تغذیش و استکشاف حال آنها گشته چون صورت احوال شان در حضرت خلالت پیرایه ظهور می یابد قضایای شرعیه باشاره والا بر وفق

شریعت غمرا و مطابق ملت بیضا بقطع و فیض میسرود و مراتب
 عرفیه موافق توره سلطنت و جهان بانجی و آئین معدلت خسروانی
 تنقیح و تشخیص می یابد و از ارباب تظلم و استغاثه جمعی که
 دلائل مسکنت و اضطرار و محائل احتیاج و افتقار از چهاره احوال
 شان نمودار باشد از خزانه احسان بیکران دامن امید بنقد مقصود
 آورده فیض اندوز فضل و مکرمت میگردد و پس از تقدیم مراتب
 معدلت گستری بشبستان ابدال خرامیده بعضی اوقات چون مهر
 منیر و خورشید عالم گیر که از دریاچه مشرق جهانتاب گردد از منظر
 مبارک درسن جلوه سعادت نموده منتظران دیدار میدنمت آثار
 را فروغ بخش ابصار میگردد و در فضای پای درسن خلقی انبوه
 از هر صنف و گروه فراهم آمده بی مانع و مزاحمی استفاضه انوار
 فیض الهی از جمال عالم آرا مینمایند آن خدبو خورشید قدر انجم
 حشر شان افواج قاهره بیشتر دران عرصه پیدار می بینند و در جمعات
 که برای اقامت نماز جمعه بجامع دار الخلافه پرتو قدوم میگستردند
 بعضی امرا از تابیدن خود را در فضای دلکش پای قلعه بنظرانور
 عرص میدهند و متصدیان فیلان سرکار خاصه شریفه برخی ابدال
 هست خود سر که آردن آنها بخاص و عام دشوار است در پای
 درسن از نظر اندس میگذرانند و گاه بعضی از فیلان کوه پیکر بدیع
 منظر ابر خرام رعد خروش در عقب اسپان برق تگ پای رفتار
 میدوانند تا بدویدن از دقبال اسپ و حمله بر ركب و مرکوب که
 در معارک و غما از آنها مطلوبست خوگر شوند و بعضی اوقات باشاره
 معنی فیلان کوه تمثال فلک شکوه کوه سیه مست باد جنگجویی

و عربده خوئی گشته باشند از یک زنجیر تا پنج زنجیر بقدر خواهش
 طبع اقدس دران میدان وسیع بپندگ می اندازند و نظاره آن
 شگرف هنگامه دلفریب که از غرائب دیدنیهای عالم است ازان
 منظر والا مسرت پیرای خاطر مملکت ناظر شهنشاه جهان و حیرت
 اذرای زمره نظارگیان میگردد و دران جنوه گاه اقبال دو گهزی و گاه
 بیشتر و گاه کمتر می نشینند و از انجا بسعدت برخاسته بجهت روکه
 ایوان چهل ستون خاص و عام که در وسعت و عظمت و شکوه و شان
 نمونه از ایوان کیوان است و خامه نکته سنج را وصف زبب و
 آراستگی آن فزون از نیروی قدرت و توان جنوس سعادت می
 نمایند و دران محفل همایون بتوزک و آئینی که معمول این
 دولت ابد قرین است دیوان بزرگ کرده متوجه پرداخت عظام
 امور ملکی و کلیات مهمات مالی می شوند و بوساطت بخشیان
 عظام مراتب معاملات و مهم امرا و منصب داران بعرض اشرف
 رسیده جمعی که بتفویض خدمات و اضافه مذاصب و دیگر عطایا
 و مواهب کامیاب میگرددند یا بدولت بندگان این درگاه آسمان جاه
 تازه سر بکندی می یابند تقدیم رسم تسلیم می نمایند و گروهی
 که بصوبها و خدمات پیروزی تعین یافته باشند خلعت سرافرازی
 پوشیده در خور پایه و حالت مورد دیگر مراجع گردیده از پیشگاه
 خلافت مرخص می شوند و گروهی که امیدوار دولت بندگان و
 خدمت و اضافه منصب اند از فطر انور گذشته در خور شایستگی
 و قابلیت بمطالب و متمنیات خویش فائز میگرددند و همچنین
 مهمات زمره برق اندازان که عبارت از تفنگچیان سوار اند خواه

منصبدار و خواه احدی و فرقه احدیان تیر انداز بوماطت میز آتش
و بخشعی احدیان بموقف عرض می رسد و آن گروه از نظر اقدس می گذرند
و بوسیله مقریان بارگاه و امیران درگاه عرائض صوبه داران و متصدیان
هر صوبه و سرکار و پیشکشهای آنها بمحل عرض می رسد و متصدی
خدمت عرض مکرر احکام مطاعه که در باب منصب و جاگیر و
دیگر مراتب و مهمات و اقسام معاملات صادر می شود مکرر بعرض
اقدس می رساند و آخته بیگی و داروغه اقبالی هرروزه برخی اسپان
و چندمی از فیلان بزینت و آرامتگی تمام بنظر انور در می آورند
و اگر اسپه یا فیلی زبون و لاغر شد متکفلان امور آنها بمعرض
عتاب و باز خواست می آیند و اسپان داغی و تابیدان و منصبداران
را داروغه داغ و تصحیح بنظر خورشید اثر می نمایند و اگر اسپه یا
سواری بنظر همایون زبون در آید رد فرموده تابین باشی را بمعرض
عتاب می آورند با جمله کنیات امور و عظام مطالب جمهور درین
دیوان اقبال و ایوان جلال پیرایه انتظام می گیرد و چهار پنج
گهزی آنجا اوقات میمنت سمات آنحضرت بجلائل اشغال
پادشاهی و شرائف مهم گیتی پناهی مصروف می شود و قبل
از دو پاس روز قرین بخت و سعادت ازین دیوان بزرگ و محفل
سنگ بر خاسته بانجمن خاص غسل خانه عز قدوم می بخشند
و دران نگارین سرای دولت بر اورنگ قدر و حشمت نشسته تا
دو پاس روز سریر آرای کام بخشی و کامرانی و انتظام بخش امور
خلافت و جهان بانی می باشند و اکثر اعیان دولت و ارکان سلطنت
و متصدیان مهمات و اهل خدمات و گروهی از گرز برداران و بندهای

جلور اهل خاص چوکی و جمعی از چیدها و قورچیان و مردمی که
 وجود شان ضروری باشد آنجا شرف بار می یابند و دیوانیان
 عظام و بخشیدان ممالک نظام و متصدیان مهم بیوتات و چندی
 از داروغهای کار خانجات و دیگر ارباب خدمات که رخصت عرض
 دارند از مطالب و مهمات کلی و جزوی بنویست معروض داشته
 بجوابهای با صواب که ارباب الباب را سرمایه بخردی و پذیرایی
 هوشمندی تواند بود ارشاد می یابند و صدر الصدور اهل استحقاق
 و نیاز مندان فیض انفاق را جوق جوق بنظر کمیا اثر شهذشاه آفاق
 در آورده مراتب احوال و صورت امانی و آمال آنها بشرف آنها
 میرساند و آن گزیده بر وفق نصیبی ازلی بتعین وظائف و عطای
 اراضی مدد معاش و انعام نقود کامیاب عوطف پاشاهانه می
 گردند و عرائض صوبه داران و حکام اطراف اکثر درین محفل فیض
 قرین بوساطت بار یافتگان بساط قرب از نظر فیض اثر گذشته
 برخی بمطالعه اشرف میرسند و بعضی دیگر را و زیر اعظم خوانده
 مضمون بعرض همایون میرساند و احکامی که در جواب هر یک
 می شود دستور خرد گنجور بمنشیان عطاران نشان ابلاغ می نمایند
 و اکثر مسودات نخست باسرا از نظر انور نور آگین گشته بنصرفات
 بدیعه و اصلاحهای کاملان پادشاهانه در الفاظ و معانی که ماهران رموز
 سخن سنجی و نکته دانی را دستور العمل فصاحت و قانون الادب
 بلاغت تواند بود زینت می یابد و چون مناشیر جلیل القدر نوشته
 می شود دستور اعظم آنها را بنظر معالی میرساند و عنوان بعضی
 امثال جلیله که باسرای نامدار و نویندگان رفیع مقدار عز صدور یافته

باشد بجهت تفاخر و مباهات آن گروه با مزید قدغن و تاکید در مطالب و احکام بخط خاص که از سواک خط پیدشانیی مقبلان خوشتر است مزین میسازند و وقایع هر صوبه و سرکار از روی نوشتههای سوانح نگاران اطراف و اکناف این کشور فلک وسعت که برسبیل تواتر وتولی به پیشگاه حضور عز و صلوات می یابد درین والا بارگاه بمسامع حقائق مجامع میرسد و برخی اوقات جانوران شکاری از باز و جره و شاهین و چرخ و بحری و یوز و غیر آن بوساطت فوش بیدگی و قراول بیدگی از نظر اشرف میگردد و لختی تماشای پری چهره اسپان برق سرعت باد رفتار که متصدیان اصطبل سرکار خاصه شریفه بآراستگی تمام از نظر انور میگذرانند و رانصان و چابک سواران نیز در محن شسلخانه سوار شده می گردانند مسرت پیرای طبع افسد میشود و درین مجلس همایون نیز داروغه عدالت مستغیثان و داد خواهان را حاضر ساخته عرض احوال و مطالب آنها می نمایند و شهشاه حق آگاه در اثنای اشتغال بمهمات سلطنت و سروری که مجملی ازان سمت گزارش پذیرفت بحال متظلمان نیز پرداخته داد دعوی خلائق می فرماید و از ایام هفته روز چهارشنبه خاص بامر عدالت است در آن روز بدیوان خاص و عام شرف حضور نمی بخشند و جمیع متصدیان عدالت و قاضی عساکر و مفتیان و فضلا و علما و ارباب عمائم و شحذگان شهر در محفل خلد آئین غسلخانه حاضر آمده همگی اوقات قدسی سمات مصروف بعدال پروری و داء گستری میشود و مردمی که آنجا ضروری الوجود نباشند در آن والا بارگاه بار نمی یابند بالجمله شهشاه جهان تا

قریب دو پانز روز باین مراتب اشتغال دارند و ازین محفل
 همایون قرین سعادت برخوردارند بمشکوی قدس و حرم کده اقبال عز
 قدوم می بخشند و آنجا بر سفره نعمت خاصه نشسته بقصد
 تحصیل قوت طاعت و عبادت ایزدی بقدر قوت روحانیان از اغذیه
 طیبه که از خزانه وجه حلال سرانجام می یابد تناول می نمایند
 و بجهت تطیب دماغ و حفظ صحت و قوام بدن و اعتدال مزاج
 ساعتی با دل بیدار دیده بشکر خواب می سپارند و قبل از درآمدن
 وقت نماز ظهر از بستر استراحت برخاسته وضو می کنند و دگر باره نور
 افزای ساحت قدس مسجد گشته بعد از ادای دوگانه تحیت
 بآئین تخشع و عبودیت بر سجاده توفیق مستقبل قبله می نشینند
 و از روی کمال آگاهی و حضور دمی چند تذکر و تسبیح حق و یاد
 پروردگار مطلق بعنوانی که از اعظام ملت و اکابر دین و اهل باطن
 و ارباب یقین فرا گرفته اند سعادت اندرز گشته چون وقت ادای
 صلوٰة میرسد با جمعی از علما و سادات و مشایخ و فقرا و برخی
 از خواص و نزدیکان که در آن وقت حاضر اند فریضه ظهر بجماعت
 گزارده تمام سدن و نوافل و اذکار و وظائف معهوده که اوقات متعبدان
 تجرد کیش و متذسکان زهد اندیش از استیفای آن قاصر است
 ادا نموده بعد فراغ ازین مراتب خلوت کده خاص را که ما بین
 حرم کده قدس و ایوان مبارک غسلخانه است بقدم همایون فروغ
 سعادت می بخشند و تا رسیدن وقت نماز عصر دران آرامگاه دولت
 بکرائم افعال و شوائف اشغال مانند تلاوت قرآن مجید و کتابت و
 مقابله آن و تتبع مسائل دینی و خوض در معارف یقینی و

مطالعه کذب و رسائل عرفا و اکابر اوقات فرخنده آیات مصروف میدارند و بعضی احيان در آن نشيمن جاه و جلال بعضی از همدهای آستان اقبال و ناظران منظام ملک و مال را شرف بار داده به تنظيم و تمشيت برخی مصالح و مهمات ضروريه سلطنت می پردازند و عراض بعضی داد خواهان و الذماس مظلومان بوساطت بار یافتگان بساط قرب بنظر بیدنش در رسیده جواب آنها از پیشگاه عدل و مکرمت صادر میشود و درین وقت گاه حرم سرای درات را ساعتی بنور حضور مشرف میسازند در آن شبستان اقبال نیز صدر نشینان مشکوی عزت و احترام و پرده گزینان تقوی عظمت و احتشام و شرائف عفاف سعادت پیوند و سخدرات عاقله هوشمند که بار یافته پیشگاه قرب و خدمت اند احوال مستورات محنت زده و بیوگان و یتیمان بموقف عرض میرسانند و حوائج آنها بانجاح مقرون گشته هر یک در خور حال از آثار فیض وجود و بر و عطای این دولت جاوید بقا کامیاب میگردد و چون وقت نماز عصر میرسد دگر باره بمسجد مبارک غسلخانه پرتو قدوم گسترده فریضه عصر بجماعت ادا می نمایند و بعد از فراغ بخلوت کده دولت معاودت فرموده ساعتی دیگر بهوشیار دلی و آگاهی و نظم مهم خلافت و جهان پناهی می گذرانند و چون از روز یک دو گهومی باقی می ماند ازان خلوتگاه عز و جاه بر آمده در انجمن خاص غسلخانه سریر آرای حشمت و بختیاری میگردند و برخی از مهمات ملک و دولت بعرض میرسد و بار یافتگان پیشگاه سلطنت در آن محفل فردوس آئین بدستور روز پیشین شرف بار یافته سعادت کورنش می یابند و

جمعی از امرا و مناصبداران که نوبت کشک آنها باشد در آن وقت حاضر میشوند و میرتوزکن بهرام صولت و صحبت و یسارلان پیشگاه دولت آن فریق را بحسب تفاوت پایه و قدر بر دو طرف قور خاصه باز داشته از مردم عمده صفی در پیش می آریند و در عقب آن صفوف دیگر مرتب میدارند و بخشیدان عظام باشاره والا آنها را بدستوری که درین سلطنت ابد طراز معمول است تسلیم قور می فرمایند و بعد فراغ ازین امر که متصل بوقت شام می باشد چون مؤذن اذان مغرب میگوید شهنشاه یزدان پرست حق آگاه روی دل از هنگامه کثرت و گیر و دار سلطنت بر تافته بخضوع تمام متوجه شنیدن اذان می شوند و پس از استماع آن از سر برگردون نظیر بر خاسته نماز مغرب بجماعت در مسجد ادا میدنمایند و بشیمه کریمه خویش جمیع سنن و نوافل با اوزار و وظائف معهوده بجای می آرند و این مراتب بدو گهزی میکشد و بعد فراغ نماز از مسجد برآمده دگر باره در نشیمن والای غسلخانه که از کثرت مشاغل مهر فروغ و رفور شمعههای کافوری زرین لکن و فانوسهای طلائی مه پرتو چون بزم سپهر بچراغان انجم لبریز نور می شود بر تخت فیروزی بخت جلوس سعادت فرموده بنظم و پرداخت امور ملک و مال و تمشیت مهمام دولت و اقبال توجه میفرمایند و وزیر اعظم درین وقت مهمات کلیده و جزئیة دیوانی بعرض اشرف رسانیده بجوابهای رسا و احکام دولت پیرا که خوردنندگان روزگار و مدبران امور کار را دستور العمل آگهی و هوشمندی تواند شد ارشاد می یابد و چون چهار گهزی از شب میگردد و مؤذن اذان عشا میگوید